

پلخمون

قیمت: قبلاً حساب شده:

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا | شماره ۷۴
شماره روزنامه ۳۹۵۰ | شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۲

سرپرست جهاد کشاورزی خطاب به مرغ داران:

مرغ باقیمت مصوب توزیع نشود قطعاً وارد می کنیم



کارتون محمدعلی رازی

کپیگ / صفحه ۸

پیچ و خم‌های
انتشار روزنامه

زنگ انشا / صفحه ۲

یک خاطره از تابستان خود
توصیف کنید

شنبه ۱۵ خرداد / صفحه ۷

نسخه الکترونیک
شهرآرا را به برق بزنید!

یک خاطره از تابستان خود توصیف کنید

تولید ملی است هم بی رنگ است، هم رنگش قشنگ تر است و هم نو است و هم کم مصرف تر است و هم اینکه جای پارک گنده ای نمی خواهد. عمو منوچهر ما یک لبخند قشنگ زد. بعد آرام دستش راست ظرف شکلات خوری روی میز برد و من فکر کردم می خواهد به آن آقای مشاوره خواه شکلات تعارف کند، ولی دیدیم که شکلات خوری را بالا برد و برداشت پرت کرد به سمت مردو آن مرد جاخالی داد و شکلات خوری به شیشه سیکوریت نمایشگاه خورد و فرو ریخت. ما از این انشا نتیجه می گیریم وقتی ۲۰۶ می خرید یا قصد دارید بخرید، لطفاً به حسودهای پلاستیکی ای که خودشان لندکروز دارند هیچ چی نگویید و آن ها را در جریان نگذارید. ممکن است از حسادت خیلی عصبانی بشوند و با شما رفتار مناسبی نداشته باشند و شیشه سیکوریت مغازه خودتان و شکلات خوری جهاز همسرتان را هم زمان پودر کنند.

واحوال کرد و به عمو منوچهر ما گفت که یک مشورتی می خواهد بگیرد و از او کمک های شایانی می خواهد و عمو منوچهر ما بقیه قند توی دهانش را توی استکان انداخته و مثل مشاورها نوک انگشت هایش را به هم چسباند و گفت: در خدمتم، بفرمایید! ما هم نظاره گر مشورت دادن عمو منوچهر بودیم. آن آقا گفت والا یکی از بستگان ما دارد ساختمان سازی می کند و به خاطر همین، پول کم آورده و مجبور است ماشین هایش را بفروشد. من هم حدود یک میلیارد تومان پول دارم و می خواهم یک عدد از ماشین هایش را بخرم. حالا به نظر شما کدامشان را بخرم؟ عمو منوچهر ما سیلش را کمی خاراند و بعد گفت: ماشین هاش حالا چی هست و چقدر می گوید؟ آن آقا گفت: فرقی نمی کند. جفتش را می گوید دانه ای یک میلیارد تومان. یک عدد ۲۰۶ می باشد و یک عدد لندکروز. راستش را بخواهید، من خودم چشمم ۲۰۶ را گرفته چون هم



خاطره نویسنده

عمو منوچهر ما می گفت علی دایی هم یک دانه از این لندکروزها داشته و توی جاده اردبیل تصادف کرده و یک کیسه هوایش باز نشده و شرکت لندکروز سازی به علی دایی تلفن کرده و از او معذرت خواهی کرده و علی دایی گفته به قول گفتنی خیلی ببخشید ماشین من نوعی اصلاً نه... و آن ژاپنی ها خیلی دولا شده اند و گفته اند بیا یک نوش را بهت می دهیم! تو را به خداوند از ماها شکایت نکن! عمو منوچهر ما می گوید اگر این لندکروزها را مراقبت کنی و حواست باشد درست بروی و درست بیایی، صد سال کار می کنند و صد سال خیلی می باشد. یعنی اندازه انگشت های دست و پای من و ساجده و ملیحه و سمیرا و جعفر آقا. تازه انگشت های پای جعفر آقا خیلی هم گنده می باشند. عمو منوچهر ما یک روز داشت توی نمایشگاهش جای می خورد و یک آقایی آمد و خیلی مؤدبانه سلام و حال

بانام و یاد خدای مهربان و عزیز، انشای خود را با موضوع یک خاطره از تابستان خود آغاز می کنم. ما در تابستان ها در نمایشگاه ماشین عمو منوچهر مان کار می کنیم. ما در آنجا خیلی خیلی شغل مهمی داریم و وقتی ماشین ها دنده عقب می آیند به آن ها می گوییم بیا بیا هوپ... و با هوپ گفتن ما ماشین ها می ایستند. توی نمایشگاه عمو منوچهر ما یک دانه عدد ماشین خیلی گنده هست که خیلی خفن می باشد و بوی خوب می دهد و اسمش لندکروز می باشد. عمو منوچهر مان می گوید این لندکروز شش سیلندر هست و موتورش خیلی زور دارد و سرعت تخته گاز می رود. لندکروز یک عالمه کیسه هوا هم دارا می باشد و وقتی خدای نکرده زبانم لال تصادف می کنی، آن کیسه های هوا خیلی سریع پر باد می شوند و پیشانی های راننده ها و بقیه ها به هیچ جایی نمی خورد و اتفاقی نمی افتد.



کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

سفر رئیس جمهور به اندونزی



آقایون رؤسای جمهور! آگه خاک بازی تون نموم شد، تشریف بیارین! در باره مسائل کلان دو کشور جلسه داریم.

سفر رئیس جمهور به اندونزی



۱ سوپر!!!! ایز! ببین عکس هایی که بچه ها گرفتن چی شده ها! ۲ والا! چه عکس های پروفایلی ای! ایول! فایلیش رو بفروست بگذارم تو پیج... اینتاداری شما؟

اعطای نخستین نشان ملی استاندارد اتوبوس برقی ساخت ایران



۱ خاک عالم! این چرا استارت نمی خوره؟ گاز و نیل زدن؟

۲ گاز و نیل کجا بود؟! برقیه! لابد دیشب تاصبح روشن مونده، شارژ تموم کرده. بچه ها کسی شارژر اضافه نداده؟

۳ بیا من به تایپ سی دارم فقط گمش نکنی سر جدت مال خاتمه

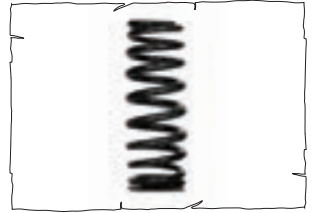
حضور رئیس سازمان ملی استاندارد ایران در اتوبوس برقی ساخت ایران



سوارش خوبه انصافاً دمتونم گرم. فقط یک خلوت ترش رونمیشه طراح کنی؟

این فتره؟ یا شاه فتره؟

اقتصاد نیوز: فتر قیمت سکه دررفت
بازار: این فتره؟ یا شاه فتره؟



دنیای اقتصاد: استارت آپی که لباس های کهنه را به عطر، کفش و لوازم خانگی تبدیل می کند
بازار: ما هم یک جایی بود که روزنامه باطله می گرفت، جوجه رنگی تحویل می داد، ولی نمکی صداش می زدیم. نه استارت آپ!

باشگاه خبرنگاران: انجام جراحی بین دو شهر با فاصله ۵۰۰ کیلومتر به کمک روبات هوشمند ساخت ایران
بازار: روبات پس از پایان عمل گفت: عمل سختی بود، وسط عمل پیام اومد که شما ۸۵ درصد اینترنشنال مصرف کردید. رفتم از بوفه بیمارستان شارژ خریدم.

ایران ورزشی: پرسپولیس مجوز حرفه ای گرفت، استقلال نه
پلخمون: پس وقتشه جای مسئولان استقلال و پرسپولیس باهم عوض بشن!

دنیای اقتصاد: چهره جدید فقر در ایران
بازار: مرکز آمار هم گفت: نگران نباشید! جوری گرمش می کنم که وقتی به چهره فقر نگاه کردید، بگید:!! اینکه بیل گیتسه!



شهرآرا: چهارمین مربی مشهدی در سطح ملی
بازار: این همه افتخارات مشهدی هادر حوزه ورزش و رسیدن به مدارج عالی ورزشی فقط از آثار شله است ها!

کیهان: توقیف ۸۰۰ دستگاه موتورسیکلت طی ۲ روز در تهران به علت پلاک مخدوش
بازار: گویا کنار هر مرکز تعویض پلاک، یک مکان مخدوش پلاک هم دایر شده!

شهرآرا: ۹ ماه انتظار برای دریافت وام فرزندان آوری
بازار: یعنی زمان پرداخت یک وام با پروسه خلقت یک انسان برابری می کنه!



جام جم: جیب بری سنگین مدارس غیر انتفاعی
بازار: مدرسه که جیب بر باشه، خدا می دونه دانش آموزاش چی بشن!

شهرآرا: ابهام درایمنی ۱۰۰۰ ساختمان در شهر مشهد
بازار: وقتی که یکپویی فرو بریزن، ابهامات برطرف می شه!

ابتکار: قیمت خودرو در حباب واردات
بازار: تجربه ثابت کرده حباب ها نمی ترکن، بلکه فقط بزرگ تر می شوند!

شهرآرا: سبقت تورم خراسان رضوی از کشور
بازار: خب، مرحله کشوری رو که رد کردیم! به امید خدا می ریم واسه مراحل جهانی!

تابناک: معاون وزیر کار: یک میلیون فارغ التحصیل بیکار داریم
بازار: که اگه به جای درس و دانشگاه دنبال کار و بازار می رفتن، الان بیکار نبودن!



سیاست روز: ظهور خانواده های سه نفره در ایران
بازار: دیگه نسل دایی و عمو و خاله و عمه منقرض می شه و به تاریخ می پیوندن!

نیازمندی ها

انواع آگهی ها و خدمات

نیازمندیم

به یک حامی مافیای خودرو و یک ضد مافیای خودرو جهت مناظره تلویزیونی ترجیحات ۲ ساعت دیگر نیازمندیم!
تهیه کننده مناظرات رسانه ملی

تورو خدا پس بدین

۳۲ عدد فرش عتیقه کاخ سعدآباد گم شده است. هر کی برداشته حداقل پنج تاش رویا به بندازیم وسط کاخ. زشته کاخ فرش نداره.
مدیریت کاخ سعدآباد

خریدار لوازم خانگی تقریبانو

لوازم خانگی شما را با قیمت خیلی مناسب و در جهت امر خیر هدیه دادن به قهرمانان ملی ورزش خریداریم.
شورای شهر البرز

فروش سیستم و رایانه

سیستم های PC و لپ تاپ ویژه کارمندان با قابلیت قطع شدن خود کار در زمان استراحت، صرف چای و صبحانه!
کامپیوتر کارمندیار

استخدام اتباع خارجی

به تعدادی غیر ایرانی ترجیحاً سالم و آشنا با اصول اولیه فوتبال جهت بستن قرارداد و پول گرفتن از تیم های ایرانی نیازمندیم
اتحادیه دلالان فوتبال ایران

در حاشیه صحبت های میرسلیم درباره نبود تفاوت بین لند کروز و ۲۰۱۶



خودروسازی در مستطیل سبز

همین طور که می‌دونین، هفته‌ای نیست که یکی از مسئولان سخنی گوهر باربرزبان جاری نکنه. این هفته هم رئیس فدراسیون فوتبال این مسئولیت مهم رو بر دوش گرفته. مهدی تاج در یکی از گفت‌وگوهای تلویزیونی از پیشنهاد طلایی خود برای حل مشکل استقلال و پرسپولیس رونمایی کرد. در اقدامی با سابقه، ایشان فرمود: «باید دو باشگاه پیکان و سایپا منحل شوند تا مالکیت استقلال و پرسپولیس به دو کارخانه ایران خودرو و سایپا برسد!» چرا این به فکر خودمون نرسیده بود؟

حرف در حدالیا

خب، اگر بازیکن‌ها از این مرحله هم چون سالم به در بیرن و بتونن تا این مرحله دووم بیان، حالا وقتشه با حریفان دیدارهای تدارکاتی داشته باشن! حالا درسته گفتیم در حد لندکروز هستیم، ولی توپوتا که نمی‌آد با ما مسابقه بده. باید بریم سراغ یکی مثل ژبان! مثلاً تیم دارقوزآباد ممسنی سفلی شاید بیاد با ذکر شرط و شروطی بازی کنه! آها! اینم داشت یادم می‌رفت. هر فصل به آپشن به هر دو تیم اضافه می‌شه. مثلاً به گوشه لباس بازیکن‌ها به زه نمادین برای زیبایی می‌دیم بچسبونن، ولی به جاش از قد شورت ورزشی کم می‌شه! نمی‌شه که به یه جایی اضافه کنیم، از جای دیگه کم نشه! پارچه اضافی شو از کجا بیاریم خب؟ مجبوریم! خدا اون روز رو نباره، ولی فکرشو نکنین. نه، ولش کنین! تصورشم وحشتناکه!

ایمنی در حد لندکروز

حالا اگر این‌ها رو بی خیال بشیم، اگر بحث ایمنی و استاندارد مسابقات دست این دو کارخونه خودروسازی بیفته، با سابقه درخشانی که دارن می‌تونن فاجعه بزرگ و بی نظیری رو در سطح جهانی رقم بزنن! مثلاً خبری از پزشک تیم نیست! چه جلافتا، همین مونده وسط بازی پزشک هم بیاد. بازیکن‌ها بعد از بازی می‌تونن خودشون به درمانگاه و بیمارستان مراجعه کنن! اصلاً مگه خودروهای داخلی فرقی با لندکروز دارن؟ شما تا حالا دیدی لندکروز چیزیش بشه؟ ما هم همونیم. فرقی نداره که! پس نگران سلامتی بازیکن‌ها و کادر و هوادارا و هیچ چی نباشین. سایپا، مطمئن!

پیش فروش بلیت به شرط پول بلوکه شده

مثلاً اگر این دو تیم بزرگ به ایران خودرو واگذار بشه، این کارخانه بزرگ خودروسازی مراحل پیش فروش بلیت‌های دربی رو این طور برنامه ریزی می‌کنه: به دلیل محدود بودن بلیت‌ها، هر هواداری که مبلغ ده میلیون تو حسابش خوابونده باشه و این مبلغ رو تا بعد دربی برداشت نکنه، در اولویته و بلیت‌ها اول به اون‌ها فروخته می‌شه! ما کاری نداریم که قیمت خود بلیت خیلی کمتر از این حرفاست. همینکه هست! قیمت بلیت هم مشخص نیست. بعد از بازی، باید ببینیم خسارتی چیزی به ورزشگاه نزده باشین. شاید هزینه‌ش بیشتر هم شد. دیگه ریسکه! شاید هزینه طبقه بالایی ورزشگاه رو هم از شما گرفتیم. می‌تونیم، می‌گیریم! از اون ده میلیون هم تا تاریخی که می‌گیم نمی‌تونین برداشت کنین.

سوالات تستی

فرانت اشتاین

۱. دلیل احتمال خرید پرسپولیس - استقلال توسط خودروسازان چیست؟

- تجربیات موفق گذشته آن‌ها
- شباهت فوتبال داخلی و پراپد
- دانستن قدر وزارت ورزش
- تولید کمتر خودرو ملی

~~~~~

۲. چرا مسئولان فوتبال به فکر تغییر مالکیت این دو تیم هستند؟

- پولی در خزانه باقی نمانده
- ادامه جبران خسارت ویلموتس
- نبود امکان مخفی سازی در بورس
- همه موارد

~~~~~

۳. بزرگ ترین دستاورد خرید باشگاه‌ها از سوی خودروسازان چیست؟

- افزودن گل زنی به عنوان آپشن به مهاجم
- افزایش دوبرابری قیمت بلیت
- قرعه کشی برای خرید بلیت ارزان
- افزایش ایمنی ورزشگاه‌ها



کارتون: مجید صالحی

صفحه ۴
۶ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۷۴

لطفا
جلو پل
پارک
نفرمایید!

فرهنگ شهروندی

مانده چهارانی

★ آقا جون خوبی؟ طاقت بیار.

★ پدر نفسی دردمند کشید و همراه با آهی از ته دل گفت: نه پسر! من دیگه موندگار نیستم. می‌خوام وصیت کنم. برو چوب بیار.

★ آقا جون، ول کن! داری می‌میری! چوب از کجا پیدا کنم الان؟ می‌دونم باید متحد باشیم. چشم!

★ بچه! چوب می‌خوام که پشت کمرم رو بخارونم. متحد شدن تو به چه درد

من می‌خوره؟! وصیت نامه‌م توی بالش قرمز هست. حق خواهرا تو نخوری‌ها! این لامصب نیومد؟!

★ پسر فریاد زد: این ماشین مال کیه؟ بیا ببر و گرنه شیشه‌ها شو میارم پایین.

★ داد زنن بچه! من تو رو اینجوری تربیت کردم؟!

سپس پدر صدای مملو از درد خود را بالا برد و گفت: لعنت بر پدر و مادر کسی که جلوی

پارک کرده!

★ آقا جون، من شمارو اینجوری تربیت ... ببخشید! اعصابتونو خرد نکنین! پیداش می‌کنم.

لحظات نفس گیری بود. قلب پدر گرفته بود و درد می‌کشید و باید به بیمارستان می‌رساندندش. اورژانس گفته بود اگر خودتان

به بیمارستان مراجعه کنید زودتر از آمبولانس می‌رسید اما جلوی پل، یک ماشین پارک

شهریه را کی نداره و کی نگرفته



کارتون: محمدعلی رجبی

در حالی که رئیس سازمان مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده هم اکنون مؤسسان مدارس و مراکز غیردولتی مشغول تکمیل اطلاعات مورد نیاز برای تعیین شهریه هستند و تاکنون شهریه هیچ کدام از این مدارس برای سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ ابلاغ نشده، شهریه های درخواستی برخی مدارس غیرانتفاعی برای سال آینده افزایش عجیبی داشته که باعث سردرگمی خانواده ها شده است. مثلاً برخی دبستان ها ۶۰ میلیون تومان شهریه درخواست کرده اند. بررسی می کنیم که حالا چه کار کنیم!

جشن آتش شلغم

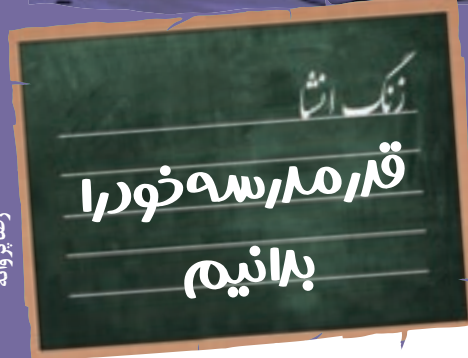
همیشه نباید طرف مردم را بگیریم. گاهی هم باید خودمان را جای گران فروشان بگذاریم تا ببینیم واقعا چه شده که این طور شده تا به این طفلکی ها هم حق بدیم. مثلاً مؤسس یک مدرسه غیردولتی، علاوه بر دستمزدی که باید به نیروهاش بدهد، باید اجاره آن چهار دیواری ای را هم که اسمش را گذاشته است «مدرسه» بدهد. در جریان افزایش اجاره ها هم که هستید. از طرف دیگر، چون دنبال خانه ارزان بوده، سقفش هم چکه می کند، سیم کشی هم ایراد دارد و چاهش زده بالا. خب، تعمیر همه این ها خرج دارد. به این موارد اضافه کنید هزینه برگزاری جشن اسم، بزرگداشت مراسم روز بچه دوم، جشنواره خوراکی های دریایی، اردوی فلان باغ، هدیه روز معلم و ... این پول ها را که نمی تواند از جیبش بدهد. باید از والدین دانش آموزان بگیرد. حالا دیدید؟!

شما حرف منخو، برای پوستت بده

در این بین، بی گناه ترین گروه مسئولان هستند که زیر فشار دو طرف ماجرأ قرار دارند. از یک طرف، صاحبان مدارس اصرار دارند مجوز افزایش شهریه را بگیرند. از طرف دیگر، والدین التماس می کنند که ندارند. مسئولان خدم هم که نه دل بی توجهی به والدین را دارند، نه جرئت برخورد با مدیران مدارس را، بهتر است به همین هشدار دادن و اظهار تأسف و ابراز نگرانی ادامه دهند و گهگاه وسط جلسه شان بگویند: «افزایش شهریه غیرقانونی است». و به کندن پوست موز ادامه دهند.

کارت خود را وارنگتید

البته برای پدرها و مادرها هم راهکار داریم. به این صورت که می توانید شهریه را چک بکشید و بعد که موعدش رسید، مهلت بگیرید و همین طور به تأخیر بیندازید تا فاصل کارت نامه ها برسد یا می توانید شهریه را کارت بکشید و رمز را اشتباه وارد کنید. سه بار این کار را بکنید تا کارت قفل شود. بگویید: «افردامی آی». و فوری فرار کنید. بعد هم خود بچه را بفرستید تا شاید دل مدیر بسوزد و کارت نامه را بدهد. شاید هم ندهد. شاید هم چک را برگشت بزند. شاید هم حکم جلبتان را بگیرد. موقعیت پنجاه پنجاه است! تصمیم با خودتان!



رضا پروانه

دیروز بابایمان مرخصی گرفت تا ما را در مدرسه ثبت نام کند. البته مدرسه الانمان خیلی خوب است ولی به بابایمان گفتند: سال آینده از پذیرفتن این آتش پیاره معذوریم. حیاط مدرسه جدید از حیاط آپارتمان ما هم کوچک تر بود. حتی نمی شد دو نفری در آن دزد و پلیس بازی کنیم، چه برسد به اجرای جنگ بین کپکشان! دفتر مدیر هم خیلی فسقلی بود و گوشه اش ظرف شویی و آب گرم کن داشت. مدیرش هم خانم خوبی بود. فقط نمی دانم چرا وقتی شهریه را گفت، بابا سرخ شد و سکسکه اش گرفت. بعد هم از من پرسید: «دستشویی داری؟» و فوری آمدم بیرون. در راه هم گفت: می روی دست مدیر امسال را می بوسی و می گویی: غلط کردم! قول می دهم آدم باشم!

صفحه ۵
۶ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۷۴



جلوپل برداشت امانا گهان حال پدر دگرگون شد و با صدایی بریده بریده گفت: پسر! وصیت نامه هم رو اجرا نکردی مهم نیست، اما به این وصیتی که الان می گم حتما عمل کن. ماشینم رو روی پل خونه این مردک پارک کن و هیچ وقت برش ندار! و متأسفانه به محض اینکه ماشین از پارکینگ بیرون آمد، پدر چشم هایش را بست و به خواب ابدی فرو رفت.

کرده بود و نمی توانستند ماشین خودشان را از پارکینگ بیرون بیاورند. پسر در کوچه فریاد می زد: شماره ۱۱۰ چند بود؟! زنگ بزنم ببینم صاحب این ماشین بی صاحب کیه! اوضاع پدر بدو بدتر می شد و تنها کاری که از دست پسرش برمی آمد، تماس های متوالی با اورژانس و ۱۱۰ و فریاد زدن در کوچه بود تا اینکه بالاخره صاحب ماشین پیدا شد و زیر باران ناسزا های پسر، ماشین را با آرامش از

تورم نقطه به نقطه فروردین در قله ۵۵ درصدی

صفحه ۶

رئیس سازمان برای اعلام شده برای شهریه مدارس قانونی نیست صفحه ۶	مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد: تابستان، آب در مشهد جیره بندی می شود صفحه ۶ پیشنهاد پیش نویس نامه به شهرداری کارفرما مجاز به پرداخت نصف مزد و لغو یک طرفه قرارداد تازه کاران صفحه ۶	معاون وزیر کشاورزی: برای ۲ میلیارد نفر هم نمی توانیم آب تأمین کنیم صفحه ۶ موضوع جدید با همکاران علیه برای گرفتن حکمان به مانزی می رویم صفحه ۶
فرودگاه جدید مشهد ساخته می شود صفحه ۶	وجود یک میلیون فارغ التحصیل بیکار در کشور سامانه جامع اطلاع رسانی بازار کار تاشهریور راه اندازی می شود صفحه ۶	

پان پانک
محمد جواد قائمی خواه

Google

اختلاف جزئی ...

اختلاف جزئی آمار تورمی بانک مرکزی و مرکز آمار
اختلاف جزئی جزئی کیفیت پژو ۲۰۶ با لندکروز
اختلاف جزئی صفرهای وام افراد عادی و نورچشمی ها
اختلاف جزئی چند هزار تومانی حقوق و اجاره خانه
اختلاف جزئی فاصله طبقاتی در اروپا و آفریقا
اختلاف جزئی قیمت خودرو درب کارخانه با بازار آزاد
اختلاف جزئی آمار ازدواج و آمار طلاق
اختلاف جزئی قیمت مرغ تنظیم بازار و آزاد
اختلاف جزئی ارزش یارانه سال ۱۳۸۹ با سال ۱۴۰۲
اختلاف جزئی قیمت عنبرنسا و طلا
اختلاف جزئی موقعیت جغرافیایی فرزندان مردم و مسئولان
اختلاف جزئی تعداد قلیان و کتاب در منازل

پیرگه
آریا بی زیا

در پی عرضه خودروهای بدون قیمت مصوب در مرحله دوم فروش یکپارچه خودرو
طرح مسئولان

۱ بهمون گفتن بازم خودرو با قیمت
مصوب شورای رقابت بفروشیم به مردم

۲ خب باید یک جوری این قیمت
مصوب رو دور بزنیم.

۳ ماشین ها رو یک کم تغییر می دم
تا مدل جدید بشه و قیمت مصوب
نداشته باشه.

۴ حالا بدون قیمت مصوب هرکی
اسم نوشت بهش با قیمت دلخواه
می فروشیم.

صفحه ۶
۶ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۷۴

کلا ۲۴ ساعت مهلت تعویض
داره! دست دست کنی، تعویض
نداریم. از این برا خونه بردم،
راضی بودن. حالا شما چای خور
نیستی، زن تو سر مال! اصلا بیا
از این قهوه جوش دستی ها هست،
موکافارته چیه، از اینا ببر. اون پارچ
ولیوان سرخابیه هم فروش رفت
ضمنا. ولی عوضش یه برس
توالت با پلاستیک درجه یک
دارم. قیمتش یکیکه. می تونی
از اون برداری.

لوازم خانگی
دیوار به دیوار
همان
شورای شهر

والا ما بعد از ساعت ها شور و رایزنی
در جلسات شورای شهر به این
نتیجه رسیدیم اگه یه کتری
وقوری داشته باشی، همون جا تو
قایق یه جای تازه دم می کنی، گلو
تازه می کنی، بهتر پارو می زنی،
صعود می کنیم فینال جام جهانی.
ضمنا یه پارچ و لیوان گل گلی
سرخابی هم داشت. من بودم
اونو برمی داشتم. از من می شنفی،
همین الان پروبالون عوضش کن.
خیلی جیگره!

عضو دیگر
شورای
همان شهر

سارا عبدالملکی، ملی پوش قایق رانی:
شورای محمد شهر کرج بادادن کتری وقوری به من
توهین کرد. گفتند اگر خوشت نیامده، برو عوض کن!

وااا! از خداتم باشه. بده فکر جهاز تو
کردیم؟ اونی که باید خوشش بیاد باباته
که خرج جهاز می ده، نه سرکار علیه. اصلا
شاید برای همین اخلافته که کتری
وقوری بهت کادومی دن. بیا و خوبی کن!

عضو شورای
محمد شهر کرج

تقدیم تاریخ ۲

۵ خرداد، روز هواپیمای کاغذی

این روز را هم می‌خواهیم به پدری تقدیم کنیم که تازه متوجه نرخ جدید بلیت هواپیماها شده و در پاسخ به دخترش که می‌گوید «بابا، چه جوری می‌شه رفت کیش؟» می‌گوید: «چشماتو ببند!» و هواپیمای کاغذی درست می‌کند و می‌گوید: «حالا چشماتو باز کن!» و هواپیمای کاغذی را پرتاب می‌کند و به دخترش می‌گوید: «با موشک!»

در همین حین، مدیرانی در جریان این خلاقیت پدر قرار می‌گیرند و با کت و شلوار و یقه‌های دیپلماتیک اولین هواپیمای کاغذی را که نمادی از نسل آینده هواپیماهای کشور خواهد بود افتتاح می‌کنند. فقط چون روبانی در کار نبوده که ببرند، خود هواپیمای کاغذی را قیچی کردند!

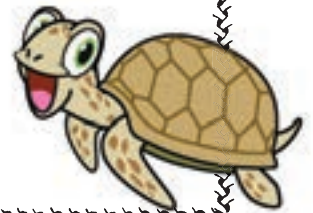
ملی تقدیم کنیم و تبریک بگوییم که در تصمیم‌گیری برای این گونه پروژه‌ها و سرعت انجامشان دوست دارند گوی سبقت را از لاک‌پشت برابند ولی در خبرها خواندیم که ساخت فرودگاه در کشور ممنوع شده است! پس باید منتظر روز سنگی، چوبی، کلوخی، چیزی بمانیم یا منتظر باب شدن دوباره چالش مانکنی چیزی بشویم. اگر هم تا آن موقع این تیپ مدیران بی‌بخار از صحنه روزگار محو شدند که منتظر روز بخار می‌مانیم!

البته فکر می‌کردیم می‌توان روز لاک‌پشت را به مدیران مسکن ملی نیز تبریک گفت که دیدیم یک بابایی گفته است نه مردم می‌توانند مسکن بسازند، نه دولت! یعنی فعلا دنبال مسکن نباشید. بیشتر دنبال مُسکن باشید!

۲ خرداد، روز لاک‌پشت یا دوومیدانی با سرعت مطمئنه!

لاک‌پشت‌ها یک مثلی دارند که می‌گویند. فقط می‌دانم می‌گویند! زبانشان را بلد نیستیم ببینم چه می‌گویند! هرچه می‌گویند دارند پشت سر ما انسان‌ها حرف زشت می‌زنند. (به لاک‌پشته گفت: لاک تو سرتون با این مثل‌های لاک تویی؟) و در حالی که پاهایش را در هوا تکان می‌داد، کشدار پاسخ داد: منووو بععدااا از زمیین! من هم چند متر گذاشتمش عقب‌تر تا چند سال توی زندگی جلو بیفتد!

خلاصه می‌خواستیم این روز را به مدیران و پیمانکاران پروژه‌های



مشه‌ایجو، بره؟! خسرو آبادیان

آب هست، زیاده هم هست!

خرداد ۱۴۰۲: معاون وزیر کشاورزی گفت: برای دو میلیارد نفر هم می‌توانیم آب تأمین کنیم.

تیر ۱۴۰۲: یک شرکت فناوری زیرمجموعه وزارت کشاورزی اعلام کرد: برای دو میلیارد نفر که چه عرض کنیم، حتی برای سه میلیارد نفر هم می‌توانیم آب تأمین کنیم. فقط باید یک بودجه دوسه میلیاردی برای طرح‌های تحقیق و توسعه به ما اختصاص دهند.

مرداد ۱۴۰۲: همان شرکت اعلام کرد: از آنجا که داخل هوا هم «اکسیجن» وجود دارد، هم هیدروجن، کافی است برای تولید آب دستمان را دراز کنیم و دو تاهیدروجن و یک اکسیجن از داخل هوا برداریم و به هم بچسبانیم. فقط این بودجه را چند میلیارد ارتقا دهید تا ما هم سطح پروژه را بالا ببریم.

شهریور ۱۴۰۲: شرکت فوق اعلام کرد منظور از اکسیجن، همان اکسیژن واز هیدروجن، همان هیدروژن است.

مهر ۱۴۰۲: شرکت فناوری مذکور اعلام کرد فعلا پاییز آمده است و موسم بارندگی است. جمعیت ایران هم که خیلی مانده تادو میلیاردی شود. لذا نیازی به تولید آب وجود ندارد. تا سال آینده هم خدا بزرگ است. فقط یک کسری بودجه کوچولو پیش آمده که در این کارهای بزرگ و سترگ، کاملاً طبیعی است.

نسخه الکترونیک شهرآرا را به برق بزنید!

خرداد ۱۴۰۲: روزنامه شهرآرا در حالی چهاردهمین سالگرد انتشار خود را جشن گرفت که قیمت هر نسخه از آن ۴۲۰۰ تومان است.

خرداد ۱۴۱۲: روزنامه شهرآرا در حالی بیست و چهارمین سالگرد انتشار خود را جشن گرفت که قیمت هر نسخه از آن ۱۳۴ هزار تومان است. سردبیر این روزنامه در جواب خبرنگاری که گفت «فکر نمی‌کنید خیلی گرونه؟» گفت: الان خیلی وقت است قیمت روزنامه ثابت داشته و از یک هفته پیش تا الان گران نشده است. ضمناً، چطور گوشت کیلویی هفت میلیون تومان برایتان گران نیست، ولی این روزنامه که برخلاف گوشت قرمز کنترل هم ندارد و تازه به علت کاغذی بودنش فیبر هم دارد، برایتان گران محسوب می‌شود؟! **خرداد ۱۴۲۲:** گزارش‌ها از مناطق مرفه مشهد نشان می‌دهد آن‌ها به جای اینکه یک روزنامه بخردند، چندین روزنامه می‌خرند. این در حالی است که بسیاری از مشهدی‌ها توانایی خرید یک شماره از این روزنامه را ندارند و شب‌ها شرمند، دست خالی و بدون داشتن شهرآرا به خانه می‌روند.

خرداد ۱۴۳۲: فردی که با گذاشتن چند متر سیم و یک دوشاخ برق داخل یک روزنامه می‌خواست آن را به عنوان نسخه الکترونیک شهرآرا با قیمتی گزاف بفروشد دستگیر شد. یک کارشناس تاریخ در توضیح ماجرا گفت: در گذشته چیزی به نام اینترنت وجود داشت که روزنامه‌ها از طریق آن در دسترس بود و به آن می‌گفتند نسخه الکترونیک روزنامه اما اینترنت چند وقتی هی قطع و وصل می‌شد و آخرش هم کامل و برای همیشه قطع شد. این کارشناس هم چنین گفت: مردم فریب سودجویان را نخورند و دنبال نسخه الکترونیک شهرآرا نروند چون سال‌هاست که وجود خارجی ندارد.

صفحه ۷
۶ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۷۴

ایجو، مگفتن

فاطمه یوجار

حمیدرضا حاجی بابایی، نماینده مجلس:

به دولت چه ربطی دارد خانه بسازد؟

(جماران)



حسن قاضی زاده
هاشمی، وزیر اسبق
وزارت بهداشت:
به‌دکتر
چه ربطی دارد
مریض را درمان
کند؟ مریض
خودش بماله
خوب می‌شه!



رضا میرینج،
شاه اسبق ایران:
به‌من چه ربطی
دارد چادر زن‌ها
زیر پای آژان‌ها
گیر می‌کند؟



جمشید بسیم‌ا...
فعال اقتصادی:
به‌بانک مرکزی
چه ربطی
دارد قیمت ارز
را تعیین کند؟ ما
هستیم دیگه.



محمد رئیس زاده،
رئیس کل سازمان
نظام پزشکی:
به‌سازمان مالیات
چه ربطی دارد
پزشکان دستگاه
پوز دارند یا نه؟
پزشکا کلاً اهل
پز نیستن!



خودروساز،
سازنده ۲۰۶
با کیفیت لند کروز:
به‌شورای رقابت
چه ربطی دارد
روی خودرو
قیمت گذاری
کند؟ مگه
ما خودمون
این جوری
هستیم؟



به مناسبت چهاردهمین سالگرد فعالیت مؤسسه شهرآرا

پیچ و خم‌های انتشار روزنامه

این روزنامه که دستتون می‌گیرید با فرازونشیب‌های فراوان چاپ می‌شه. چهارده ساله که شهرآرا برای مردم مشهد منتشر می‌شه. حالا همیشه با بقیه شوخی می‌کردیم، این سری خودمون رو سوژه کردیم.



این آمادگی برای پاسخ‌گویی همیشه با انتقادپذیری زیاد هم همراه است



مسئولان همیشه آماده پاسخ‌گویی به خبرنگاران هستند



عکاسان همیشه بهترین تصاویر خبری را برای روزنامه تهیه می‌کنند



تایید صفحات توسط سردبیر در اسرع وقت انجام می‌شود



و نیروهای توزیع که نیمه شب برای توزیع، به محله‌های شهر می‌روند



بسیاری از نیروهای مؤسسه تا دیروقت بدون هیچ مشکلی مشغول کار هستند



و پس از همه این تلاش‌ها، روزنامه مردم مشهد به دست مخاطبان خود می‌رسد



خطر مرزها از گذشته خیلی کمتر شده است